

## وقایع افغانستان از 2001 تا 2014 میلادی

( بخش 26 )

### طرح ترور کارمندان دولتی افغانستان و اتهامات متقابل

در همین ارتباط، گزارشهایی به نشر رسیدند که حاکی از برنامه جدید مقام های اطلاعاتی پاکستان به منظور ترور کارمندان مؤثر دولت افغانستان در کابل و سایر ولایت کشور مانند هرات، قندهار، نیمروز، مزار، تخار، پروان، پنجشیر، فاریاب، بدخشان، غور و زابل بود. یعنی بر اساس این برنامه جدید، شخصیت های فعال حکومتی اعم از ادارات حقوقی، قضایی، اجرایی و امثالهم بایستی غرض تضعیف دولت کرزی و غالباً به منظور هموارسازی راه برای پیشرفتهای گروه طالبان، مورد حملات مرگبار قرار می گرفتند. (64)

در هفته سوم ماه مارچ 2012م بود که شخصی بنام " محمد مراح " یکتن از اتباع مسلمان و الجیریایی الاصل فرانسه، دست به کشتار هفت تن از بیگناهان آن کشور در منطقه " تریکولور " یازید و قبل از آنکه دستگیر یا کشته شود، با خونسردی تمام اظهار داشت که از کشتار هفت نفر هیچ نادم نیست و اگر بتواند باز هم میکشد تا انتقام کودکان فلسطینی را از یهودیان بگیرد. قرار گزارش روزنامه انگلیسی زبان کانادا بنام " گلوب ان میل "، تحقیقات دستگاه اطلاعاتی فرانسه روشن ساخت که قاتل، قبلاً به وزیرستان شمالی رفته و در آنجا شیوه های کشتار انسان ها را آموزش دیده بوده است. پس باز هم ملاحظه میشود که مهد اصلی تروریسم و خونریزی و نا آرامی در منطقه و جهان، خاک پاکستان است و باید دیر یا زود، چاره چنین سرطان جهانی سنجیده شود.

اگرچه اداره حکومت کابل پس از سال 2003 میلادی نیز، موازی با اوج گرفتن اقدامات و عملیات تروریستی گروه طالبان علیه خاک افغانستان، اظهارات و تمایلات یکطرفه مبنی بر " عفو" تروریستها، حاضر شدن آنان به سر میز مذاکره و پیوستن آنها به " زنده گی عادی " و غیره، از خود تبارز داد و به رهبران آنها کرنش زیادی بعمل آورد، حتی کمسیونری را بنام " کمسیون مصالحه ملی " تحت ریاست صبغت الله مجددی در چهارچوب مجلس سنا ایجاد نمود و اما، علی رغم تبلیغات حکومت کرزی مبنی بر تسلیم شدن " تروریستها به دولت " از مجرای این کمسیون و " دست آورد " های مورد ادعا در این راستا، عملیات خونین تروریستی شامل (کمین کردنها، اختطافها، انفجارهای انتحاری، بمگذاریها، قتل افراد و عناصر متنفذ قومی و محلی، علمای دینی، معلمین مکاتب، شاگردان ذکور و اناث، خبرنگاران داخلی، مامورین بلند رتبه امنیتی، به آتش کشیدن مکاتب) و غیره، روز تا روز گسترش یافت. ( طرح مذاکره و معامله با گروه طالبان، در یکی از فصول آینده مفصلتر گنجانیده شده است )

گروه طالبان، جنگجویان حزب اسلامی گلبدین و گروه تروریستی ملاجلال الدین حقانی در مناطق قبایلی که خودشان را تا آنگاه به اندازه کافی تقویت نموده و حمایت های بیدریغ مالی، نظامی و لوژستکی (آی.اس.آی) پاکستان، منابع تروریسم جهانی، شیخ نشین های خلیج فارس، وهابی های عربستان سعودی و یا شاید بعضی از منابع غربی را حاصل نموده و از تجارب جنگی و انتحاری عراقی ها ی مربوط به القاعده آموخته بودند، به خصومت و رزیهای مسلحانه و کشتارهای بی باکانه شان شدت بخشیدند. چنانکه نخستین عملیات بزرگ انتحاری را در ماه جنوری سال 2006م در " سپین بولدک " (مرز میان افغانستان و پاکستان در جنوب غرب کشور) انجام دادند که در اثر آن، به تعداد بیست و یک نفر به هلاکت رسیدند و پس از آن و تا همین اکنون که این سطور رقم میخورند، به صدها عمل انتحاری و انفجاری در مرکز و ولایات افغانستان، حتی در میان انبوه شهریان بیگناه، بیمارستانها، فروشگاه ها، بسه های شهری، تجمعات مردمی، مکانهای رسمی و ملی و امثالهم متوسل شده اند که در نتیجه

آن، صدها انسانِ مظلومِ وطنِ کشته شده و ویرانی های سنگینِ مالی به بارآمده است. تذکر این نکته را نیز در همینجا لازم میدانم که علاوه از شیطنت های آشکار و پنهانِ مقام های پاکستانی و پشتیبانی های مصممانه و بیدریغانه آنها از گروه های تروریستی در برابر مردمِ داغدار افغانستان، سیاست های نادرست، نا عادلانه، غیر منطقی و غیر واقعی دنیای غرب به رهبری ایالات متحده امریکا تحت عنوان " جنگ علیه تروریسم" از یکطرف و موجی از سازش و گُرنشِ حامد کرزی با جنایتکارانِ جنگی، افراد و تشکلاتِ فاسد، بدنام و ضد ملی که هر آن مایه رنجش و نارضایتی ملت شده و میشوند، از سوی دیگر، در بلند بُردنِ روحیه نیروهای تروریستی در افغانستان مؤثر بوده است. مثلاً، وقتی مردم افغانستان مشاهده میکنند که علی رغم قربانی دادن های بی حد و حصرِ چندین ساله و انتظاراتِ دیرینه و برحقِ آنها از چرخشِ اوضاعِ جنگی و سیاسی و ... نه تنها چیزی تغییر نکرد، بلکه وضعیتِ سیاسی و اقتصادی و امنیتی شان بدتر از پیش هم شد، مادامکه مینگریستند یک قشرِ کوچکی از تفنگدارانِ تنظیمی و جهادی و تکنوکرات های وابسته، صاحب ثروتِ قارونی و قدرتِ وسیع دولتی شده اند، آنگاه که می دیدند کشور با کلیه نهادهایش در آتشِ فسادِ مالی، اداری و سیاسی میسوزد و بالاخره وقتی مشاهده میکردند که علاوه از تروریستها، نیروهای خارجی نیز بدون توجه، دقت و انصاف، هرزمانیکه دلشان میخواست به منازلِ مردم داخل میشدند و طیاره های آنها بیرحمانه بالای شان بمب میریخت و هیچ کسی نبود که به دادِ شان برسد، دولتِ حامد کرزی و نیروهای خارجی به اصطلاح حافظِ صلح را نکوهش میکردند و از شدتِ غیظ و نفرتِ شان علیه گروه طالبان و سایر تروریستان کاسته میشد. چه بسا که پس از هربمبارانِ کورکورانه و تلفاتِ سنگینِ انسانی، ده ها نفر ناراض و خشمگین به صفوفِ گروه طالبان افزوده میگردد. همینجا بود که مردم افغانستان در مقاطع مختلفِ زمانی و باروشن شدنِ کوچکترین جرقه یی از یک حادثه، دست به تظاهراتِ اعتراض آمیز و خشمآگین میزدند و شعار "مرگ به امریکا"، "مرگ به کرزی"، "خارجی ها از مُلک ما گم شوید!" و امثالهم را سر میدادند.

یکی از نمونه های روشن این نوع تظاهرات اعتراضی در آغاز ماه جون سال 2006 میلادی در شهر کابل بوقوع پیوست. موضوع از اینقرار بود که یکعراده موتر باربری نظامی امریکایی ها با یکعراده (تکسی) حامل مسافرین متعلق به افغانها تصادف کرد و تلفات انسانی به بار آورد که بالمقابل، سربازان امریکایی، با غرور بیجای شان، توجهی به حادثه و مرگ چند تن از افغانها مبذول نداشته صحنه را ترک گفتند، بنابراین، همین حادثه موجب براه اندازی تظاهرات بسیار شدید و خشونت آمیز اهالی شهر کابل در برابر نیروهای خارجی و دواير دولتی گردید. این تظاهرات خشم آلود نه تنها بعضاً موجب غارت مال و منال دولتی و غیر دولتی گردید، بلکه مرگ چندین انسان وطن را نیز در قبال داشت. همانطور، تظاهرات گسترده اهالی شهرها و ولایات جلال آباد، لغمان، کنر، هرات، فراه، خوست، تخار، غزنی، مزار، پروان و غیره که هر کدام آن، تلفات بزرگ جانی و مالی را در قبال داشت.

سایت انترنتی " ویکیلیکس"، در جمله هزارها سند محرمانه پی را که افشا نمود، اسنادی را که دست داشتن دستگاه استخبارات نظامی پاکستان در یک رشته انفجارها و سوؤصد ها در افغانستان را برملا میساخت، نیز به نشر رسانید. مثلاً، میگفت که " دستگاه اطلاعاتی پاکستان در چندین عملیات نظامی که در سال های اخیر علیه مردم کابل صورت گرفته، دخالت داشته است. باساس همین اسناد که سالهای 2004 تا 2009 میلادی را احتوا میکند، آی اس آی پاکستان در عملیات سوؤصد بجان حامد کرزی در سال 2008م، در عملیات خونین تروریستی علیه سفارت هندوستان در کابل و حمله به طیاره ی نظامی ناتو دست داشته است. " همچنان در اسناد منتشر شده آمده است که " سازمان اطلاعات پاکستان به تعداد یکهزار عراده موترسایکل را برای گروه تروریستی جلال الدین حقانی تسلیم داده است. " (65)

رادیو " دویچه وله " آلمان، مصاحبه پی داشت با یکی از رهبران جنبش آزادیخواه بلوچستان بنام (حیربیار مری). این رهبر بلوچی، ضمن این مصاحبه با صراحت اظهار داشت که : " طالبان در اصل، ارتش پاکستان هستند که یونیفورم به تن ندارند... ما جامعه ی بین المللی را از این

مسأله و اهداف شیطانی سازمان استخبارات پاکستان ( آی اس آی ) مطلع کردیم، اما تقاضای ما با لجاجت و سر سختی نا دیده گرفته شد...

(66)

ماهنامه " پگاه " که در آستانه هجوم گروه مسلح طالبان از شهر کویتة پاکستان بالای قلمرو افغانستان در کانادا نشر و پخش میشود، در شماره سوم جنوری 1995م خویش، با درک عمیق ماهیت سیاسی - استخباراتی این گروه نوظهور چنین نوشت : " به هموطنان جفا کشیده خویش هشدار داده میگوییم در این روزگار سختی که دستگاه های بیگانه گان جفا پیشه، بُت تازه یی {بنام طالبان} بما می تراشند، به آن رنگ و بوی " افغانی " میدهند، اسم و رسمی با پسوند " اسلامی " بدان می بخشایند و خنجر تیزی هم در کف اش می نهند و در چارسوق قدرت نمایی و بیداد گستری ها رهایش میکنند، دیگر در همچو موارد مهم، خوش باور و زود پذیر نباشند، بلکه هر پدیده نو ظهور سیاسی - نظامی را با دقت کامل و احتیاط لازم مطالعه و بررسی نمایند تا " ایکاش " ها را تکرار نکنند. "

علی رغم چنین اظهارات صریح که در بالا خواندید، مقام های حکومتی پاکستان، در مقاطع مختلف ادعا میکردند که گویا " شماری از شبه نظامیان مسلح مخالف اسلام آباد، با عبور از مرز افغانستان، در پاکستان خرابکاری میکنند" ؛ ادعایی که هیچ کس در آن زمان نمیتوانست آنرا بپذیرد.

سران حکومت پاکستان بی حیایی ها را تا بدانجا رسا نیدند که گورنر ایالت شمال غربی آن کشور، طی یک مصاحبه با " اشیا تایمز آن لاین " چنین گفت : " مسوولیت آنچه در افغانستان میگذرد، بدوش جهان است، همه نا خوشی هایی که در این جا ما با آن دست و گریبان شده ایم، همه ریشه در افغانستان دارد و از آن جا بر میخیزد، ما مدتها میشود با پیامد های آنچه افغانها میکنند، مبارزه میکنیم. "

باز همین گورنر پاکستانی میگوید : " درست نیست کسی پاکستان را سرزنش و نکوهش کند. ما هیچگاهی ارتش شوروی را دعوت نکرده بودیم. این خود افغانها بودند که این کار را کردند. ما هیچگاهی دهشت افگنان بین المللی را همراهی نکرده ایم. این، آی.اس.آی پاکستان نه، بل سرویس های ویژه

غربی بودند که به رغم مخالفت های آی.اس.آی، آنان را این جا آوردند و از آنان پشتیبانی همه جانبه کردند. " (یاعلی العجب !)

گورنر مذکور نگفت که از همان آغاز میان شبکه استخبارات نظامی کشورش و سرویس های "ویژه" امریکا، انگلیس، "موساد" و دیگران پیرامون افغان و افغانستان، چه زد و بند ها، چه معامله گریها و مفاهمه ها و چه امتیازدهی ها و امتیازگیری های بزرگی جریان داشت؟ او هرگز نگفت که جنرال ضیا الحق و حلقه حاکم نظامی نزدیک به وی، بخاطر آموزش و پرورش همین "دهشت افگنان بین المللی" در خاک پاکستان، چند ملیارد دلار از کیسه سی.آی.ای، عربستان سعودی و سایر کشور های غربی بدست آوردند؟ وی همچنان نه خواست این واقعیت را اظهار کند که حکومت مداران کشورش در ایجاد مدارس بنیاد گرای تروریست پرور، پایگاه های تمریناتی برای تروریستهای بین المللی، فرستادن افسران و سربازان خاص نظامی (عمدتاً متعلق به آی.اس.آی) بخاک افغانستان غرض خرابکاری و کشتار، ترور صد ها شخصیت ملی، روشنفکر و آزادیخواه افغانستان در عالم غربت و آواره گی، افسون کردن رهبران تنظیم های جهادی و بالاخره ایجاد افتراق و استخوان شکنی های قومی و زبانی میان مجاهدین افغان چه نقش و اثر خصمانه و خرابکارانه یی داشته اند؟ بلی !

مقام های پاکستانی همه چیز را میگفتند و میگویند، بجز چنین واقعیت های تلخ و ننگین را. باسناد تحقیقات دقیق و گزارش های منابع مؤثق، پس از سال 2001 میلادی که امارت گروه طالبان سقوط کرد و حکومت جدید به رهبری حامد کرزی در افغانستان به وجود آمد، گروه های تروریستی طالبان، القاعده، تندروان مربوط به تشکلات مذهبی پاکستان و گروه های تحت آموزش (آی.اس.آی)، هفت منطقه قبایلی پاکستان مانند وزیرستان شمالی، وزیرستان جنوبی، کُرم، اورکزی، خیبر، مهمند و باجور، بمثابة کانون تمرین، تجهیز و تسلیحات گروه های مذکور در تحت رهبری و همکاری تنگاتنگ سازمان استخبارات نظامی پاکستان درآمدند. چنانکه رهبران این گروه ها (بیت الله محسود، حافظ گل بهادر، ملا نذیر، مولوی فضل الله، حاجی عمر، سراج الدین حقانی) و دیگران، در اواخر ماه اپریل سال 2009 میلادی،

درمحلِ دوردستی ازوزیرستانِ شمالی گردد هم آمده پس ازجرو بحث طولانی و بررسی اوضاع، فیصله نمودند که " وقتی باراک اوما ( رییس جمهور یک کشور نا مسلمان ) میتواند با آصف علی زرداری و حامد کرزی روسای جمهورممالکِ مسلمان غرض حمله به پایگاه های طالبان متحد شود، چرا آنها نتوانند دست در دست هم داده علیه آنها به جنگ متوسل نشوند؟ " پس از همین نشست و فیصله بود که ملاندیرنام طی تماسِ تلفونی با خبرنگاران، ضمن گزارش این موضوع گفت که " آنها یک شورای سیزده نفره را تشکیل دادند تا حملاتِ شان بر ضد امریکا را منسجم سازند . "

قراربود جنرال " پرویزمشرّف " رییس جمهورپاکستان درنیمه های سال 2003 میلادی با جورج دبلیو بوش درکمپ دیوید ملاقات نماید، ولی قبل از رسیدن موعود، آی.اس.آی پاکستان که تا آنگاه دسته هایی ازطالبانِ پاکستانی و مزدورانِ خارجی را مجدداً تجهیزنموده یک رشته عملیاتِ چریکی و انتحاری و اقداماتِ اختطافِ گرانهٔ افراد و عناصرِ غربی درافغانستان را به راه انداخت تا در موقع ملاقاتِ " مشرف " با رییس جمهورامریکا، برگِ برنده یی در دستِ پاکستان باشد. اینکه طی این ملاقاتِ خصوصی میان دو رییس جمهور، بتاریخ بیست و چهارم ماه جون 2003م چه سخنها و تعهداتی مبادله گردید، روشن نشد، ولی آنچه پس از آن دیدارِ خاص درافغانستان و منطقه محسوس و ملاحظه گردید، تحرکاتِ بیشترِ گروه طالبان علیه نیروهای خارجی، اشتغالِ بیشتر و گسترده تر نظامی امریکا علیه آنها، برخورد های مسلحانهٔ مرزی میان نظامیان افغانستان و پاکستان و درعین حال، تماسگیری های مخفی امریکایی ها با طالبان درکوئتهٔ پاکستان بود. چنانکه نشریهٔ " ایشیا تایمز آنلاین " در همان شب و روز، تحتِ عنوانِ " چرخشِ امریکا به طرفِ طالبان " افشا نمود که " امریکاییان با وساطتِ آی.اس.آی با طالبان در یک پایگاه هوایی در نزدیکی کوئته ملاقاتِ سری نمودند. هدف از این مذاکرات، بحث پیرامونِ اشتراکِ طالبان در قدرت در کابل میباشد. " موازی با این جریان، "فرانک هگن بک" فرمانده نظامی امریکا در میدان هوایی بگرام، ضمن یک مصاحبهٔ انترنتی با منابع بریتانیایی اظهارداشت که " طالبان و متحدینِ آنان در خاکِ پاکستان آرایش مجدد داده شده و جنگجویانِ جدید ازمدارسِ پاکستان در کوئته استخدام میگردند که منابع اقتصادی آنان را قاچاق مواد

مخدر تشکیل میدهد." آنچه پس از ملاقات مذکور توسط جورج دبلیو بوش اعلان شد، این بود که گفت: " امریکا وجه سه میلیارد دالر را برای پاکستان تحویل خواهد داد و مبلغ یک میلیارد دالر دیگر هم از سرجمع دیون آن کشور خواهد کاست. " آری! بازار چین بازیهای پیچیده سیاسی و اطلاعاتی و بذل و بخشایش دریا دلانه در میان بود و هست که پاکستانیها نمیخواهند سر چشمه آنرا که عبارت از همان نگهداری و حمایت از گروه های تروریستی است ، بخشکانند. در عین حال، مقام های امریکایی نیز تا کنون نخواستند جلوترورست پروریها و حمایت های مخفی و علنی حکومت مداران پاکستانی از آنان را سد سازند.

در عین حال، نشریه انترنتی " امید وطن " نوشت که : " همزمان با واگذاری یک سوم از بودجه ( سی . آی . ای ) به سازمان استخباراتی پاکستان، یک روزنامه امریکایی خبر داد که شماری از ماموران استخباراتی پاکستان سرگرم گذراندن دوره های آموزشی در سازمان جاسوسی امریکا هستند. " نشریه مذکور علاوه میکند : " به نوشته روز نامه لوس انجلس تایمز، سازمان جاسوسی امریکا ملیونها دالر در اختیار سازمان جاسوسی پاکستان قرار داده و از ماموران امنیتی آن کشور برای پاره ای آموزش های ویژه دعوت کرده است " (67)

همچنان، نشریه مذکور از قول " لوس انجلس تایمز " می افزاید: " سازمان جاسوسی پاکستان برای همکاری با (سی آی ای) تاکنون صد ها ملیون دالر پول به جیب زده است و در حال حاضر، یک سوم بودجه سالانه سازمان جاسوسی امریکا را برای کشتن شبه نظامیان یا دستگیری آنها بخود اختصاص داده است . " (68)

مادامکه چنین بازیهای مخفیانه و نزدیکی های خاص دو کشور مذکور ملاحظه میشد، چنین استنباط میگردد که ایالات متحده امریکا غالباً برنامه های سری و دراز مدت دیگری غیر از " جنگ علیه تروریسم " را درپیش خواهد داشت. در غیر آن، آموزش دادن های علمی و فنی، بذل و بخشایش صد ها ملیون دالری، مبادله استمراری جاسوسان و فناوری های اطلاعاتی و نا دیده گرفتن همه گونه شیطنت ها، دروغگویی ها و دو رویی های جانب پاکستان چه معنی را میرساند؟



زلمی خلیزاد که در این موقع بمتابۀ سفیر ایالات متحده در افغانستان ایفای وظیفه میکرد، بتاريخ پانزدهم ماه جولای 2003م در یک کنفرانس مطبوعاتی در کابل گفت " پاکستان باید تمام تلاش های خویش را به خرچ دهد تا جلو عبور طالبان را از خاک خویش به افغانستان بگیرند. . . نباید به طالبان اجازه عبور داده شود. . . ما صد فیصد تضمین می خواهیم نه پنجاه فیصد و ما میدانیم که طالبان در کویته ی پاکستان برنامه ریزی میشوند. "

( ادامه دارد )